

برای خانم عالیہ روحانی (مطہری)

10 اسفند 1401

با جدایی بخشی از نسل جوان از انقلاب، جای شهید مطہری و فکر و سخنان او خالی است .

وقتی ناگهان خبر فوت عزیزی را می‌دهند، خاطرات و روزہایی که با او گذراندی، از جلوی چشمانت به سرعت عبور می‌کند و احساس دلتنگی فوراً فرا می‌گیرد، دوست داری به هر صورت ممکن خاطره‌اش را زنده کنی. اولین دیدار من با عالیہ خانم، به سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب باز می‌گردد. آشیخ اکبر را در دهه 1340 به زندان برده بودند و آیت‌اللہ مطہری به همراه همسرشان سری به ما زدند و باعث آشنایی اولیه شد. گویا در 14 سالگی با شهید مطہری ازدواج کرده بودند و در کمتر از 30 سالگی به نظرم هفت فرزند را که فاصله کمی با هم داشتند، اداره می‌کردند. من هم سه فرزند داشتم که فاصله یک‌سالہ با هم داشتند. شهید مطہری، انسان وارستہ و با دانشی بود که رابطہ بسیار نزدیکی با آشیخ اکبر داشت. اہل رویای صادقہ بود. خانم مطہری می‌گفت کہ شب آخر زندگی ایشان، نیمہ‌شب از خواب بلند شد. گریہ می‌کرد و پا بر زمین می‌کوبید و می‌گفت، الان پیامبر را در خواب دیدم، ایشان به من گفت کہ فردا مہمان ما هستی. خود خانم مطہری ہم خواب‌هایی می‌دید کہ شبیہ بہ رویای صادقہ بودہ و حتی بعد از شہادت آیت‌اللہ مطہری، بارها می‌گفتند کہ ایشان را در خواب می‌بینند و ہدایت زندگی و بچہ‌ها را از آن دنیا نیز دارند. ہر دو در میانسالی و پیری بہ شوخی و جدی می‌گفتیم کہ اگر ما نبودیم، با این تعداد فرزند و مشکلات زندگی، موفقیت در اہداف، برای ہمسرانمان امکان‌پذیر نبود. متاسفانہ در جمہوری اسلامی، نقش ہمسران شخصیت‌ها دیدہ نمی‌شود و جالب اینکہ ہمیشہ ہزاران تعریف و تمجید از آیت‌اللہ مطہری می‌شد، بدون اینکہ یک کلمہ از تمام مشکلاتی کہ این خانم فرہیختہ تحمل و فرزندانش و خانوادہ را اداره می‌کرد و مواظب رشد ہمہ‌جانہ فرزندانش بود، گفتمہ شود. متاسفانہ بعد از پیروزی انقلاب، آیت‌اللہ مطہری در میانسالی (حدود 59 سالگی) توسط گروہ انحرافی فرقان کہ این روزها ہم گروہ‌هایی با ہمان افکار افراطی بہ صورت علنی دیدہ می‌شوند و مسموم کردن دختر مدرسہ‌ای‌ها، می‌تواند از نمونہ‌های آن باشد، شہید شدند .

هیچ‌گاہ ندیدیم کہ خانم مطہری، علنی گلہ‌ای از مسوولان داشتہ باشد و می‌گفت کہ در دورہ طاغوت بہ آیت‌اللہ مطہری تہمت‌هایی می‌زدند و خدا خواست کہ رسالت خود را این‌گونہ بہ انجام برساند. امام ہم گفت کہ مطہری پارہ تن او بود و آثارش بدون استثنای خوب است کہ دربارہ ہیچ شخص دیگری این سخن را نگفتمہ بود.

خانم مطہری، با ہمہ رنج‌هایی کہ کشید، ہمیشہ بہ صورت شیرینی خاطرات و خواب‌های خود را تعریف می‌کردند حتی اگر بعضاً تکراری می‌گفتند، ولی آن‌قدر شیرین تعریف می‌کردند کہ حال حضار را خوب می‌کرد.

با نگاهی بہ خاطرات خود در سال‌های گذشتہ، یادم آمد کہ با خانم‌های شہید مطہری و شہید عراقی، از طرف انصار المجاہدین بہ صورت ناشناس بہ سرکشی چند صد خانوادہ‌های رزمندگان می‌رفتیم و در مسیر خانم مطہری از بعضی اظهارات دوستان شہید مطہری گلہ می‌کرد و برای شخصیت‌های انقلاب، از جملہ آیت‌اللہ ہاشمی سفارش امنیتی و حفاظتی زیادی داشت. من ہم بعضی از گلہ‌های خود را بہ

علي آقا لاریجانی در مورد صداوسیما از طریق ایشان منتقل می‌کردم، هر چند که شنیدم وقتی که فرزند ایشان آقای علی مطهری و داماد ایشان آقای لاریجانی در انتخابات ردصلاحیت شدند، ایشان به بزرگ‌ترها گله جدي کرده بود.

در هر صورت، خانم مومنه‌ای بود به‌طور احسن به وظایف زناشویی و خانوادگی و تربیت فرزندان عمل کرد و چیزی جز عمل صالح از او ندیدم. هر چند که در اوایل دوره احمدی‌نژاد، به دلیل مصاحبه یکی از فرزندان ایشان که براساس شایعات بود، کمی از هم دور افتادیم و بعد هم به دلیل کهولت سن و پیری، روابط رو به کاهش افتاد ولی روابط دوستانه خانوادگی خوشبختانه برقرار بود. موقعی که ایشان بیمار شد، بیمارستان رفت، متأسفانه من هم به دلیل پیری و عدم امکان حرکت، نتوانستم از او در بیمارستان عیادت کنم. از این نظر نیز حسرت می‌خورم و لذا با این قید کلمه ادای دین کردم.

اکنون با این فضای جامعه و جدایی بخشی مهمی از نسل جوان از انقلاب، بیشتر از گذشته جای شهید مطهری و فکر و سخنان او خالی است که با منطق و عقل به اسلام نگاه می‌کرد و به سعه صدر و آزادی بیان معتقد بود که همه گروه‌ها بتوانند، حرف خود را بزنند و با گفت‌وگو در جامعه فعالیت کنند، نه اینکه از خانواده شهید مطهری دو نفر ردصلاحیت شوند و از خانواده هاشمی دخترم در زندان باشد و خانواده شهید بهشتی، خانواده مرحوم منتظری و مرحوم طالقانی نیز سوابق تلخ برخورد را تحمل کرده باشند. اگر انقلاب می‌خواهد بماند باید به اهداف تفکر و برنامه رهبران خود وفادار باشد. همسر شهید مطهری در مظلومیت و فشار به نزدیکانش رفت، اما باید قدر فرصت باقیمانده را دانست و انقلاب را به اهداف خود برگرداند، مسیری که مردم می‌خواستند و از آن آزادی و تامین دین و دنیای آنان انتظار می‌رفت.

* عفت مرعشی / همسر مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی